

Transformations in Religiosity and the Future of Religious Governance*

Seyed Mohsen Tabatabaie Far 

PhD in Political Science and graduate of Qom Seminary, Qom, Iran.

Email: seyed.mohsen.tabatabaie.far@gmail.com



Abstract

Continuous examination of transformations in the sphere of religiosity or religious commitment and their potential impacts on religious governance is of great importance for contemporary Iran. This is because in a religious government, a significant aspect of legitimacy is founded on the people's beliefs and attachments, and any shift in religious conceptions can profoundly affect public perceptions of the system's legitimacy. Accordingly, this article aims to explore the relationship between changes in religious observance and the foundations and trends of religious governance. Like any social phenomenon, religiosity has evolved over time, influenced by multiple factors, losing its former shape among segments of society and adopting new forms and expressions. The fundamental question is: What kinds of impacts will transformations in religiosity have on the future of religious governance in Iran? To answer this, the article also examines how the social significance of religion has changed over the past four decades and how religious individuals express their religiosity in terms of style and behavior. By analyzing the trends of religious commitment over

* Tabatabaie far, S. M. (2024). Transformations in Religiosity and the Future of Religious Governance. *Journal of Political Science*, 27(107), pp. 73-108. <https://Doi.org/10.22081/PSQ.2025.69782.2904>

□ **Publisher:** Baqir al-Olum University, Qom Iran.

* **Type of article:** Research Article

□ **Received:** 2024/05/06 • **Revised:** 2024/06/11 • **Accepted:** 2024/06/29 • **Published online:** 2024/09/23

© The Authors



the past twenty years across five dimensions—beliefs, styles of religiosity, rituals, social religion, and religious sentiment—this study seeks to contribute to the theoretical literature on this transformation. The claim is that religious observance over the past two decades has been moving toward greater individualization, a trend that could pose challenges and concerns for a religious government that grounds its legitimacy in the teachings of political Islam. To investigate this hypothesis, a trend analysis of strategic studies conducted on the subject has been employed. The findings indicate that over the past twenty years, beliefs have remained the strongest dimension of religiosity among Iranians. Meanwhile, the emergence of secondary collective rituals, alongside a decline in adherence to primary rituals and a sharp decrease in traditional collective practices (such as congregational and Friday prayers), as well as the increasing prominence of emotional aspects, have convinced many scholars to see these developments as a departure from, or transition beyond, the traditional jurisprudential and theological models toward mystical and ethical/emotional models. During the period studied, the proportion of individuals who define religiosity as having a "pure heart," regardless of performing religious acts, more than doubled. Similarly, a growing segment of religious individuals has moved away from strict adherence to juristic prescriptions and obligatory emulation of a *marja*^۶ (religious authority). According to the social religion indicators presented in the article, approximately 62% of respondents opposed the use of religious criteria in employment decisions, and many respondents in the most recent survey expressed the view that religion should be separated from politics. Despite the continued presence of heartfelt and inherited beliefs among portions of the populace, the study finds a marked decline in adherence to primary rituals, particularly those with political-religious dimensions. Moreover, a segment of the population shows little sensitivity to violations of divine laws in the social sphere and in some areas they rely on their own reasoning, which, in my view, constitutes a threat to the stability and continuity of the Islamic Republic no less serious than other external threats.

Keywords

Religion, religiosity, governance, religious government, beliefs, rituals.



تحولات دین‌داری و آینده حکمرانی دینی

سید محسن طباطبایی‌فر 

دکتری علوم سیاسی و دانش‌آموخته حوزه علمیه قم، قم، ایران.

seyed.mohsen.tabatabaie.far@gmail.com



چکیده

بررسی مداوم تحولات عرصه دین‌داری و تأثیرگذاری‌های احتمالی آن بر حکمرانی دینی برای ایران معاصر بسیار اهمیت دارد؛ زیرا در حکومت دینی بُعد مهمی از مشروعیت بر اساس باورها و عقده‌های مردم قوام یافته است و هرگونه دگرگونی در انگاره‌های دینی بر نوع تلقی عمومی از مشروعیت نظام بسیار تأثیرگذار است؛ ازاین‌رو هدف این مقاله بررسی نسبت میان تحولات عرصه دین‌داری با مبانی و روندهای حکمرانی دینی است. دین‌داری مانند هر پدیده دیگری در طول زمان و تحت تأثیر عوامل متعددی نزد اقشاری از جامعه، شکل و شمایل گذشته‌اش را از دست داده و به لسان و لباس جدیدی درآمده است. پرسش اساسی این است که تحولات عرصه دین‌داری چه نوع تأثیراتی بر آینده حکمرانی دینی در ایران خواهد داشت؟ برای پاسخ به این پرسش لازم است به این پرسش‌ها نیز پرداخته شود که طی چهار دهه گذشته اهمیت اجتماعی دین چه روندی یافته است و دینداران با چه سبک و رفتاری، دین‌داریشان را بروز می‌دهند؟ پژوهش حاضر می‌کوشد با بررسی چگونگی حرکت روندهای دین‌داری در بیست سال گذشته، در پنج بُعد باورها، سبک دین‌داری، مناسک، دین اجتماعی و احساس دینی به ادبیات نظری این تحول دست یابد. مدعا آن است که دین‌داری در دو دهه گذشته به سمت فردی‌شدن

* **استناد به این مقاله:** طباطبایی‌فر، سید محسن. (۱۴۰۳). تحولات دین‌داری و آینده حکمرانی دینی. علوم سیاسی، ۲۷(۱۰۷)، صص ۷۳-۱۰۸.

<https://doi.org/10.22081/PSQ.2025.69782.2904>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم، ایران؛ © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۷؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۳/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۹؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۷/۰۲



در حال حرکت است و این می‌تواند برای حکمرانی دینی که مبنای مشروعیتش را بر آموزه‌های اسلام سیاسی نهاده است، موجب چالش‌ها و نگرانی‌هایی باشد. برای پی‌گیری فرضیه فوق از مقایسه روندشناختی پژوهش‌های راهبردی انجام‌شده در این زمینه بهره برده‌ام. نتیجه آنکه در بیست‌سال گذشته بُعد باورها قوی‌ترین بخش دین‌داری ایرانیان بوده است؛ همچنین رشد مناسک جمعی ثانویه در کنار افت پابندی به مناسک اولیه و کاهش شدید مناسک جمعی (مانند نماز جماعت و جمعه) و همچنین پر رنگ‌تر شدن ابعاد عاطفی، بیشتر صاحب‌نظران را قانع کرده است که این تحولات را به معنای فراروی و گاهی گذار از الگوی فقهی و کلامی/شریعتمدارانه به الگوهای عرفانی و اخلاقی/هیجانی بدانند. طی سال‌های مورد بررسی، در صد افرادی که دین‌داری را به قلب پاک تعبیر می‌کنند؛ هر چند انسان اعمال دینی‌اش را انجام ندهد، به بیش از دو برابر افزایش یافته است؛ به همین میزان بخش‌هایی از دینداران از رساله‌محوری و التزام به تبعیت از یک مرجع تقلید در حال عبورند. مطابق شاخص‌های دین اجتماعی ارائه‌شده در مقاله، حدود ۶۲٪ از پاسخگویان با دخالت شاخص‌های دینی در استخدام افراد مخالفت کرده‌اند؛ همچنین بسیاری از پاسخگویان در آخرین نظرسنجی گفته‌اند دین باید از سیاست جدا باشد. بر اساس یافته‌های مقاله با وجود حفظ باورهای قلبی و قلبی‌اشاری از مردم، روند التزام به مناسک درجه یک، به‌ویژه با جلوه سیاسی - عبادی کاهشی محسوس داشته است. دسته‌ای از افراد حساسیتی به شکسته‌شدن احکام الهی در عرصه اجتماعی ندارند و در عرصه‌هایی به خوداجتهادی رسیده‌اند و به زعم نویسنده خطر این روندها برای قوام و استمرار جمهوری اسلامی از دیگر تهدیدها کمتر نیست.

کلیدواژه‌ها

دین، دین‌داری، حکمرانی، حکومت دینی، اعتقادات، مناسک.

مقدمه

دین از اصلی‌ترین ارکان هویتی ایرانیان به شمار می‌رود و می‌توان احیای آن را در دنیای مدرن یکی از بنیادی‌ترین اهداف انقلاب اسلامی و پیرو آن، مهم‌ترین مسئله هویتی جمهوری اسلامی در نظر گرفت. با نظریه ولایت فقیه امام خمینی ره، شیوه نوینی از پیوند دین و سیاست در ایران معاصر شکل گرفت؛ در این الگو، دین و سیاست از یکدیگر جدا نیستند، بلکه الگوهای سیاسی از دین اخذ می‌شوند. مبانی مشروعیت جمهوری اسلامی بر مفاهیم دینی پایه‌گذاری شده و تحولات در برداشت‌ها و رفتارهای دینی، تحولاتی بنیادین هستند که با شرایطی می‌توانند دگرگونی‌هایی در سیاست، فرهنگ، اجتماع و حتی اقتصاد در پی داشته باشند و یا دست کم بر فرایندها، ساختار و تصمیم‌های عرصه حکمرانی تأثیر بگذارند؛ از این رو هر قدر شناخت تفصیلی و عمیق از تحولات عرصه دین‌داری فراهم آید، امر حکمرانی با سهولت بیشتری تحقق می‌یابد.

دین‌داری ایرانیان طی نیم‌قرن اخیر از لایه‌های فردی و رابطه صرف بنده با پروردگار عبور کرده و سپهر اجتماع (رابطه افراد با یکدیگر) و سیاست (رابطه افراد با حکومت) را در بر گرفته است. پدیده‌هایی مانند فضای مجازی، چالش‌های مرتبط با جامعه در حال گذار، تحولات مربوط به ساختار فناوری، تغییر مرجعیت‌های اجتماعی، هویت‌های جدید و ارزیابی عمومی از عملکرد روحانیت در عرصه اجتماع و سیاست، بر انگاره بخش زیادی از جامعه درباره انتظار از دین، مفهوم دین‌داری، چارچوب‌های شریعت، روش کشف حکم و... تأثیر گذارده است. در بررسی تحولات دین‌داری ایران معاصر سه موضوع مرتبط با هم در نظر است: اهمیت اجتماعی دین، شمار کسانی که دین را جدی می‌گیرند و اینکه هر کس چگونه دین را جدی می‌گیرد.

پژوهش حاضر بیشتر بر محورهای اول و سوم ناظر است: طی چهاردهه گذشته اهمیت اجتماعی دین چه روندی را طی کرده است و دینداران به چه سبک و رفتاری، جدیتشان را در دین‌داری بروز می‌دهند؟ طرح این پرسش‌ها از آن رو اهمیت دارد که اگر با تکرر برداشت‌ها و رفتارهای دینی مواجه باشیم، حکمرانی دینی، جدا از اشتراک یا تفاوت دیدگاه‌ها در مبانی اعتقادی، اساس تکرر رفتاری را خواهد پذیرفت یا نه و در

صورت پذیرش، چگونه یکی را که با روش و مبانی حکمرانی متلائم‌تر است، بر می‌کشد؟ دغدغه جدی‌تر آنکه آیا دین‌داری شاخص و معیاری وجود خواهد داشت تا سبک‌های دین‌داری به عیار آن سنجیده شوند یا نه؟

مدعا آن است که بررسی تحولات دین‌داری در ایران معاصر، نشانه‌هایی دارد از میل بخش‌هایی از جامعه به دین‌داری فردی و ابراز فراغت از اسلام سیاسی. برای اثبات مدعا با تمرکز بر چهار نظرسنجی «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» که در سال‌های ۱۳۷۹-۱۴۰۲ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام گرفته است، شاخص‌های مرتبط با ابعاد مختلف دین‌داری بررسی و مقایسه شده‌اند. این داده‌ها از آن جهت اهمیت دارند که بر نظریه و تحلیل‌های فردی مبتنی نیستند، بلکه تا حدی زیر پوست شهر را نشان می‌دهند. نویسنده می‌کوشد از طریق بررسی روند نمادها و متغیرهای التزام فردگرایانه به شریعت و نیز نشانه‌های اسلام سیاسی، روند صعودی/نزولی یکی را با دیگری مقایسه کند تا میزان اقبال عمومی به انگاره‌های دین‌داری فردی یا اجتماعی را نشان دهد.

۱. پیشینه پژوهش

در غالب پژوهش‌ها و مقالاتی که به سنجش دین‌داری در نیم قرن اخیر پرداخته‌اند، به تحولات دین‌داری و آثار اجتماعی-سیاسی آن نیز پرداخته‌اند؛ برای نمونه سام دلیری در کتاب نوسازی و تغییرات اجتماعی، دین‌داری و روحانیت در ایران امروز در پی اثبات این فرضیه است که «نوسازی از طریق تغییر در ارزش‌ها و هنجارها، تغییراتی در دین‌داری جامعه ایجاد کرد و از آن مسیر بر نوع ارتباط دین‌داران با روحانیان تأثیر گذارد». وی تصریح می‌کند: «در نتیجه نوسازی در ایران، انواع دین‌داری متفاوت از دین‌داری‌های قبل شکل گرفته است» (سام دلیری، ۱۳۹۷، ص. ۹). اگرچه این گونه پژوهش‌ها، قسمتی از فرضیه نوشتار حاضر را حمایت می‌کنند، غالباً ناظر به گذشته و مباحث نظری‌اند؛ پژوهش حاضر مبتنی بر داده‌های پیمایشی و ناظر به آینده، به‌ویژه ارتباط آن با امر حکمرانی دینی است.

بسیاری از پژوهش‌ها نیز به بیان سیر نزولی یا صعودی جایگاه روحانیت طی چند

دهه گذشته پرداخته‌اند و هر یک به فراخور فرضیه خویش علل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی یا اقتصادی برای آن برشمرده‌اند. در این پژوهش‌ها نیز به اموری مانند دین‌داری خوداجتهاد و عبور از ساز و کار تقلید نزد قشرهایی از جامعه اشاره شده است (اشتریان، ۱۳۸۸؛ شجاعی زند، ۱۳۹۱؛ عیسی‌نیا، ۱۳۹۶؛ عبدالکریمی، ۱۳۹۸؛ نجفی، ۱۳۹۷). در طیفی از این پژوهش‌ها، پافشاری روحانیت بر جایگاه‌های قدرت، باعث کاهش محبوبیت این نهاد قلمداد شده است. در این نوع پژوهش‌ها از دین‌داری در حاشیه حاملان دین گفتگو شده است، نه موضوعی مستقل.

واله (۱۴۰۰) در کتاب دین و حکمرانی، چالش‌ها و تأمل‌ها به گردآوری مجموعه مقالاتی از نویسندگان مختلف در زمینه سنجش نسبت این دو برآمده است که نتیجه آن بررسی نظری مباحثی مانند مشروعیت حکمرانی، اختیارات و وظایف حکومت، حدود و چارچوب آن، نقش شهروندان و انتخاب آنها در مشروعیت قدرت سیاسی و نیز حقوق اقلیت‌ها و مخالفان سیاسی شده است. در پاره‌ای از مقالات این مجموعه با بررسی آرای مشهور در باب نسبت حکومت و دین و مفهوم حکومت دینی، تلاش شده است نظریه نوینی درباره نسبت حکمرانی و دین‌داری ترسیم شود. این کتاب پژوهشی در عرصه اندیشه سیاسی اسلام است؛ از این رو دین‌داری را به صورت نظری بررسی کرده، تحولات آن را در صحنه اجتماع در نظر ندارد. پژوهش حاضر بدون ورود به مباحث نظری در خصوص نسبت دین و حکومت، مشروعیت حکومت دینی و حتی تحولات مفهوم دین، صرفاً تحولات دین‌داری در واقعیت اجتماع ایران معاصر را در نظر می‌گیرد و می‌پرسد تحولات دین‌داری حامل چه دلالت‌هایی برای حکمرانی دینی هستند؟

پیش‌تر نگارنده در کتاب دین‌داری و تحولات اجتماعی ایران معاصر تأثیرات تحولات اجتماعی چند دهه اخیر را بر سبک‌های دین‌داری ایرانیان و پیام‌های آن را برای متولیان دین بررسی کرده است (طباطبایی‌فر، ۱۴۰۲). در آن مقطع هنوز نتایج چهارمین «پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» منتشر نشده بود و در آن کتاب، در پی نسبت دگرگونی‌های زیر پوست شهر بر دین‌داری بودم.

از زاویه‌ای دیگر پژوهش‌هایی که به موضوع حکمرانی در جمهوری اسلامی پرداخته و چالش‌های آن را در حال و آینده بررسی کرده‌اند، در ادبیات بحث مورد استفاده خواهند بود. یکی از جدی‌ترین این بررسی‌ها، پژوهش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی است که در آذر ۱۴۰۲ با عنوان «مروری بر مسائل نوین حکمرانی»، مسائل نوپدید برای آینده جمهوری اسلامی را در سه محور چالش‌ها (در ۷ بند)، رویکردها (در ۱۵ بند) و ابزارها (در ۱۱ بند) دسته‌بندی کرده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۲/۹/۱۴)؛ اما ابعاد دین‌داری و تأثیرات آن در آینده حکمرانی ایران معاصر را نادیده گرفته است. پژوهش پیش رو آینده پژوهی چالش‌های حکمرانی نیست و بدین جهت با بررسی بالا تفاوت موضوعی دارد. ادعای اینجانب صرفاً دو متغیر را در بر می‌گیرد: تحولات دین‌داری و تأثیرات احتمالی آن بر کمیّت و کیفیت حکمرانی دینی. نویسنده مدعی است یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها برای حکمرانی در حال و آینده جمهوری اسلامی، توجه به تحولات عرصه دین‌داری است. تجربه تاریخی ایران معاصر نشان داده است با اتکا به شاخص‌های دین‌داری، امکان مواجهه با بسیاری از چالش‌های ساختاری و فرایندی فراهم خواهد شد و بدون آن، چه‌بسا چالش‌های کوچک ساختار سیاسی را متزلزل کند.

۲. مفهوم‌شناسی پژوهش

در این مقاله با دو مفهوم کلان سر و کار داریم: دین‌داری و حکمرانی. اگرچه این اصطلاحات به‌ظاهر بدیهی و مناقشه‌ناپذیر می‌نمایند، از آن جهت که به‌شدّت کیفی و قابل اطلاق بر طیفی از مصادیق گوناگون و مختلف‌اند، مراد از آنها باید روشن شود.

۲-۱. مفهوم دین‌داری

برای تعریف دین‌داری اشاره‌ای اجمالی به مفهوم دین ضروری است. به دلیل تفاوت‌های فراوان ادیان مختلف و وجود تعریف‌های متفاوت از این مقوله، ارائه یک تعریف جامع از مفهوم دین آسان نیست؛ ولی از مجموع تعریف‌های ارائه‌شده در میان

متفکران غربی، به پنج دسته کلی می‌توان اشاره کرد:

- دین، اعتقاد به وجود خدای سرمدی دارای قدرت مطلق است که با حکمت و اراده خود بر جهان حکم می‌راند و با بشر دارای مناسبات اخلاقی است.

- دین از سنخ شور و احساسی است که بر ایمان به سازواری میان ما و جهان تکیه دارد و یا حالت خالص و حرمت‌آمیز روح است که آن را «خشیت» می‌نامیم.

- دین مجموعه باورها، اعمال، شعائر و نهادهای دینی است که افراد بشر در جوامع مختلف بنا کرده‌اند.

- دین، امور اخلاقی‌ای است که به کمک احساسات، تعالی یافته، برانگیخته و فروزان شده است.

- دین دستگاه اعتقادی، بصیرت باطن (احساس و شهود) و راهبرد اخلاقی است که حول مفهوم حقیقت غایی سامان می‌یابد (آلتون، ۱۳۷۶، صص. ۱۶-۲۳؛ پترسون و همکاران، ۱۳۷۶، صص. ۱۸-۱۹؛ هیک، ۱۳۷۶، صص. ۱۵-۱۸).

با توجه به کارکردهای اجتماعی دین، برخی از جامعه‌شناسان با شناسایی وجوه مشترک ادیان کوشیده‌اند به تعریف قابل قبولی در این زمینه دست یابند. دورکیم دین را «عبارت از نظامی همبسته از باورها و اعمال مربوط به امور لاهوتی و ماورایی» می‌داند که همه پیروان را در یک اجتماع اخلاقی واحد به نام کلیسا یا امت، متحد می‌کند (دورکیم، ۱۳۸۱، ص. ۶۳). در این تعریف بر سه بُعد از دین اشاره شده است: مؤلفه‌های دینی (عقاید و مناسک)، عنصر ذاتی و مقوم آن (جداسازی میان امر مقدس و نامقدس) و بالأخره وجه کارکردی‌اش (ظهور یک اجتماع اخلاقی) (شجاعی زند، ۱۳۸۸، صص. ۳۱-۳۴).

الگوی مورد گفتگو در این نوشتار دین اسلام است و شاید ضرورتی برای فیصله‌دادن به مناقشه‌های فوق و رسیدن به تعریفی جامع و مانع از همه ادیان در کار نباشد و تعاریف بومی اهمیت بیشتری داشته باشند. در میان پژوهشگران داخلی دو دسته تعریف از دین مشاهده می‌شود: تعاریف کارکردی و جوهری. در تعریف‌های دسته اول، دین بنا بر کارکردهای روانی، اجتماعی یا... تعریف می‌شود؛ اما در تعریف‌های جوهری به دنبال پاسخ به این پرسش‌اند که دین چه ویژگی‌ای دارد که آن را از دیگر

پدیده‌ها متمایز می‌کند؟ ماهیت دین چیست؟ اساس بحث در مورد سکولاریزاسیون و فرایندی که به زوال و افول فعالیت‌ها و باورهای ماورای طبیعی می‌انجامد، به‌طورتلویحی بدین معناست که ما به تعریف جوهری از دین پای‌بندیم. تعاریف جوهری خود به سه دسته عقل‌گرا، عاطفه‌گرا و عمل‌گرا تقسیم می‌شوند. تعاریف‌های عقل‌گرا، دین را نوعی ایمان و اعتقاد به مجموعه‌ای از گزاره‌ها معرفی می‌کنند. تعاریف عاطفه‌گرا بر بُعد عاطفی و احساسی دین تأکید می‌ورزند و تعاریف‌های عمل‌گرا، دین را در انجام دادن بعضی از اعمال و مناسک منحصر می‌کنند (طالبان و رفیعی بهابادی، ۱۳۸۹). رویکرد پژوهش حاضر به دین، کشف معنای دین‌داری است و موضوعات طرح شده با عنوان «شریعت صامت» و انواع اسلام‌ها» در نظر نخواهد بود؛ بر این اساس حقانیت دین اسلام، به عنوان دین و حیانی خاتم پیش‌فرض نوشتار است و موضوع‌هایی مانند انتظار بشر از دین، سکولاریسم، انتظارات دین از بشر و... مورد بحث نخواهند بود.

دین‌داری را «باور به عقاید مطرح شده از سوی دین، ایمان به ذات متعال در پرستش او و متابعت از توصیه‌ها و نهی‌های اخلاقی و دستورات شرعی آن در زیست فردی و سلوک اجتماعی» معنا کرده‌اند (شجاعی زند، ۱۳۹۳ «الف»). برخی دیگر در معنایی عام‌تر، دین‌داری را «درگیری‌های دینی» افراد می‌دانند؛ به نحوی که بر نگرش، گرایش و کنش آنها تأثیر بگذارد. این درگیری‌ها می‌تواند ابعاد عاطفی، شناختی و رفتاری انسان را در بر گیرند. چنانچه دین اسلام دارای ابعاد عبادی و شریعتی (مربوط به بُعد رفتاری)، عقیدتی و اخلاقی (مربوط به بُعد شناختی) و ایمانی (مربوط به بُعد عاطفی) است، ممکن است هر کدام از افراد با بُعد یا ابعادی از دین درگیر شوند و سطحی از دین‌داری را برای خویش رقم بزنند. نوع فهم فرد از عقاید و احکام، پای‌بندی‌اش به عبادات، اخلاقیات و مناسک و عواطف او نسبت به دین می‌تواند از دیگری متمایز و در میان افراد مختلف، اشکال متفاوت یابد. همین فهم‌ها، عواطف و پای‌بندی‌های متفاوت دین‌داران به ابعاد گوناگون دین و ظهور و بروز متفاوت دین در افراد، بخشی از نوع یا سبک دین‌داری آنها را تعیین می‌کند. در همین حال، نوع دین‌داری حوزه‌ای گسترده‌تر از نوع فهم‌ها، عواطف و پای‌بندی‌ها را در بر می‌گیرد و هر نوع

درگیری دینی فرد را شامل می‌شود (سام دلیری، ۱۳۹۷، ص. ۷۵).

تعریف دوم تا حد زیادی تفصیل تعریف نخست است و با اهداف پژوهش حاضر هم‌خوانی بیشتری دارد. دین‌داری در این تلقی، در کنار تنظیم روابط فردی انسان با ذات باری تعالی، بر ابعاد رفتاری او در زندگی خصوصی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد و تحول اجتماعی می‌آفریند.

۲-۲. مفهوم حکمرانی

مفهوم حکمرانی در حال تکامل است و تاکنون نیز تعاریف و ابعاد مختلفی برای آن عنوان شده است. در معنای عام، حکمرانی استفاده از قدرت در محدوده‌ای خاص برای حفظ و تأمین نیازهای عمومی است. هدف از این اقدام راهنمایی، هدایت و تنظیم فعالیت شهروندان و روابط میان آنها از طریق نظام‌های مختلف در راستای به حداکثر رساندن منافع عمومی است. اضافه‌شدن قید «دینی» به این واژه بدان معناست که در تلقی از ماهیت قدرت، اهداف اعمال قدرت، روش‌ها و ابزارهای به کاررفته برای تحقق برنامه‌ها، از دیگر اقران متفاوت است. حکمرانی دینی منافع عمومی را در دو بُعد مادی و معنوی یا دنیایی و اخروی تعریف و از ابزارهای تعریف‌شده و مشروع برای تحقق آن بهره می‌برد. فرایندها و تصمیم‌ها در حکمرانی دینی مبتنی بر آموزه‌ها و پنداشت‌های دینی و با هدف تحقق آرمان‌های ارزشی جامعه عمل می‌پوشند. در این تلقی نوع نگاه جامعه به دین، در همراهی با حکمرانان و تضمین موفقیت آنان مؤثر است.

۳. سبک‌های دین‌داری

طی چند سال اخیر متأثر از جنبش‌های اسلامی معاصر، بحث از سبک‌های دین‌داری ادبیات جهانی پیدا کرده است. پژوهشگران اروپایی پس از شکل‌گیری گفتمان‌های سلفی و خشن از اسلام در برخی از کشورهای خاورمیانه و تلاش برای تأثیرگذاری بر معادلات جهانی، پژوهش‌های قابل توجهی در زمینه گونه‌های اسلام و کارکرد هر یک انجام دادند. برخی از متفکران غربی در راستای شناسایی چارچوب فکری و منطق عمل

گروه‌های جهادی به ریشه‌های آن در نوع برداشت از اسلام رسیدند. یکی از جامع‌ترین این شناسایی‌ها، مقاله ویلیام شپرد با عنوان «اسلام و ایدئولوژی: به سوی یک گونه‌شناسی» است که در توضیح انواع دین‌داری‌ها در اسلام، برحسب واکنش‌ها و پاسخ‌ها به نفوذ غرب و دوری یا نزدیکی به تجدد (مدرنیته) از شش نوع دین‌داری نام می‌برد:

۱. **تمامیت‌گرایی اسلامی:** عبارت است از تمایل و گرایشی که اسلام را صرفاً یک مذهب در معنای محدود که فقط عقیده دینی، فرایض مخصوص و عبادت‌های رسمی دارد، تلقی نمی‌کند؛ بلکه آن را به عنوان یک روش کامل زندگی که دربردارنده رهنمودهای سیاسی، اقتصادی و رفتار اجتماعی است، نگاه می‌کند. این تلقی از اسلام عموماً در شکل داعیه مسلمانان به داشتن یک دولت اسلامی تجلی می‌کند که طی آن همه قوانین براساس شریعت وضع می‌شوند.

۲. **تجدد:** تمایلی است که اعتبار اصلی را به فناوری‌های مادی جدید می‌بخشد، از آنها استفاده می‌کند و نیز به نهادهای معاصر معینی همچون پارلمان و احزاب سیاسی تمایل دارد و در عین حال جهت‌گیری مثبت به تحول و اعتقاد به پیشرفت و ترقی را قبول دارد.

۳. **سکولاریسم:** در شکل افراطی‌اش می‌کوشد در سراسر عرصه‌های عمومی و خصوصی، جایگزین اسلام شود و در قالب معتدل، در پی تفکیک مذهب از دیگر شئون زندگی عمومی است. شپرد از «سکولاریسم اسلامی» نیز نام می‌برد که در آن هرچند اسلام به عنوان جزو ضروری هویت ملی تلقی می‌شود، در همین حال به حاکمیت اسلامی اعتقادی ندارد؛ بلکه دولت سعی می‌کند مذهب را به خدمت اهداف ناسیونالیسم و توسعه درآورد.

۴. **تجددگرایی اسلامی:** در این دیدگاه اسلام مبنای ایدئولوژیک کارآمدی برای زندگی عمومی تدارک می‌بیند. اسلام صرف برگزاری اعمال عبادی و رهاکردن نیازمندی‌های جامعه نیست. تجددگرایی اسلامی معتقد است اسلام بر پایه تمام اصول در همه زمان‌ها و مکان‌ها و اقوام، ساری و جاری است؛ ولی در اجرای اصول به شدت

انعطاف دارد و قدرت زیادی به عقل و اجتهاد می‌دهد.

۵. اسلام‌گرایی رادیکال: ایشان معتقدند نباید قانون دست‌ساخت بشری را جایگزین قانونی الهی کند. اینان به‌شدت از اینکه اسلام را با عناوین جدیدی مثل دموکراسی، کمونیسم یا امثال آن منطبق کنند، پرهیز می‌نمایند و تساوی حقوق غیرمسلمانان با مسلمانان را به‌سختی مورد نقد قرار می‌دهند و تأکید فوری بر عملی ساختن شریعت دارند.

۶. سنت‌گرایی: اینان احساس می‌کنند که راه‌های مقبول گذشته برای تغییر کافی است؛ زمانی که سنت‌گرایی درگیر با مسایل غرب می‌شود، به سنت‌گرایی جدید تبدیل می‌شود. این نوع از سنت‌گرایی، نیاز به فناوری‌های جدید را می‌پذیرد؛ اما در مقایسه با تجدیدگرایی اسلامی، به‌گزینشی عمل کردن تمایل بیشتری دارد. سنت‌گرایان جدید یا خواهان عمل انقلابی بیشتری هستند که شپرد از آنها با عنوان «تردگرا» نام می‌برد و یا در سنت‌های محلی، ارزش‌های مثبتی را در عرصه‌های گوناگون می‌یابند و تمایل دارند تا رسوم محلی خاصی را که الزاماً اسلامی نیستند، به رسمیت بشناسد. این گروه زیر عنوان «همسازگرا» نامیده شده‌اند (ذوالفقاری، ۱۳۹۲).

جان اسپوزیتو با تأکید بر تفکیک میان جهت‌گیری‌های افراطی و بنیادگرا با جریان اصلی، چهار نوع برداشت یا سبک دین‌داری را از یکدیگر تمیز می‌دهد (سلیمانی، ۱۳۹۱):

۱. تجدیدنظرطلبان رادیکال؛ ۲. سنت‌گرایان؛ ۳. سنت‌گرایان جدید، و ۴. پیشروها (تجددگرایان).

برای تکمیل بحث اشاره به دو تقسیم‌بندی از متفکران مسلمان می‌تواند مفید باشد. اولین گونه‌شناسی متعلق به عبدالله سعید در کتاب مقدمه‌ای بر تفکر اسلامی است. او هشت مقوله دین‌داری را بدین ترتیب نام می‌برد: سنت‌گرایان قانونی (متشرع)، پاک‌دینان تتولوژیک، افراطیون ستیزه‌جو، اسلام‌گرایان سیاسی، لیبرال‌های سکولار، نام‌گرایان (صوری‌گرایان) فرهنگی، تجدیدگرایان اصیل (کلاسیک) و اجتهادیون مرقی (ذوالفقاری، ۱۳۹۲، ص. ۱۱۵). طارق رمضان که در آثارش بر قابلیت و اهمیت تطبیق فرهنگ اسلامی با ارزش‌های مدرن تأکید دارد، به تقسیم‌بندی شش‌گانه‌ای از دین‌داری اشاره

می‌کند: سنت‌گرایی مدرسه‌ای، سنت‌گرایی سلفی، سلفی‌های سیاسی، سلفی‌های اصلاح‌طلب، اصلاح‌طلبان عقل‌گرا یا لیبرال و دین‌داری عرفانی (همان).

تقسیم‌بندی‌های فوق، هرچند به عنوان گونه‌های دین‌داری مطرح شده‌اند، بیشتر ناظر به جریان‌های فکری حاضر در جهان اسلام هستند که به سبک دین‌داری منجر می‌شوند. تقسیم‌های یادشده متأثر از جنبش‌های اسلامی معاصر تدوین شده‌اند و می‌کوشند از نگاه یک‌دست‌گریان دربارهٔ مسلمانان جلوگیری کنند. در بسیاری از آنها شناخت عمیقی دربارهٔ مبانی و منابع گوناگونی‌های برداشت‌های متفاوت وجود ندارد؛ بلکه با نگاهی درجهٔ دو و برحسب کارکرد اندیشه‌ها به بیان تفاوت‌ها پرداخته شده است. هیچ‌کدام از آنها به صورت خاص به جریان دین‌داری در ایران مربوط نیست؛ بلکه کل جهان اسلام را در نظر دارند. توجه ویژه‌ای به تفاوت‌های روشی و برداشتی اسلام شیعی و اهل سنت نشده است و در برخی نام‌گذاری‌ها خلط مفهومی و ابهام در قرار گرفتن تفکر شیعی ذیل یک عنوان مشاهده می‌شود؛ برای مثال در این تقسیم‌ها نحلهٔ سلفی‌گری به صورت پررنگ دیده شده، ولی در ایران وزن جریان سلفی به این اندازه نیست. گونه‌شناسی‌های فوق بنا بر کارکرد و جلوه‌های دین یا دین‌داری در صحنهٔ خارج یا اجتماع، به‌ویژه سیاست شکل گرفته‌اند؛ در حالی که وقتی سخن از انواع دین‌داری می‌شود، تنقیدهای فردی شخص نیز در نظر است؛ اینکه فرد در درون خویش به چه میزان به آموزه‌های مذهبی اعتقاد و به اعمال دین پای‌بندی دارد.

به موازات پژوهش‌های بیرونی، پژوهشگران داخلی نیز پژوهش‌هایی انجام داده‌اند که بیشتر با نام «سبک‌های دین‌داری» شناخته می‌شوند. برخی از آنها انواع دین‌داری در ایران معاصر را به بنیادگرا، تجدّدگرا و سنت‌گرا تقسیم می‌کنند (ملکیان، ۱۳۷۸). نیک‌پی به هفت نوع دین‌داری اشاره می‌کند: عوامانه، ابزاری، ترکیبی نوین، الهیاتی، فقهی و شریعت‌مدارانه، سکولار و لائیک (نیک‌پی، ۱۳۹۴). نویسنده اصناف دین‌داری سه گونه دین‌داری را از یکدیگر تمییز می‌دهد: دین‌ورزی مصلحت‌اندیش (غایت‌اندیش)؛ دین‌ورزی معرفت‌اندیش و دین‌ورزی تجربت‌اندیش. در نظر او این سه گونه از دین‌داری در ماهیت رفتار دینی، نوع تلقی از خداوند، پیامبر و... متفاوت‌اند (سروش، ۱۳۷۸).

در تقسیم‌بندی دیگری، نویسنده کتاب مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی دین و انواع دین‌داری پس از بیان انواع تقسیم‌بندی‌ها، از دین‌داری متعادل در مقابل دین‌داری نامتعادل نام می‌برد. در نظر او، در نوع متعادل بر تمام لایه‌ها و اجزای مختلف دینی (اعم از اخلاق، مناسک، باورها و تجربه دینی) توجه می‌شود؛ اما دین‌داری نامتعادل به میزان برجستگی یا اهمیت یافتن یکی از ابعاد اصلی دین نسبت به دیگر ابعاد و بازتاب آن در دین‌داری افراد یا تبلیغ آن از سوی گروه‌های اجتماعی یا یک جریان دین‌دار ارتباط پیدا می‌کند. او طیف‌های مناسک‌گرا، باورگرا، تجربه‌گرا و اخلاق‌گرا را ذیل همین نوع از دین‌داری تعریف می‌کند (میرسندسی، ۱۳۹۰، صص. ۲۰۴-۲۳۶).

تقسیم‌های فوق در یک نکته اشتراک دارند: تغییرات صورت گرفته در نوع دین‌داری جامعه ایرانی طی دهه‌های گذشته و شکل‌گیری گونه‌هایی از معرفت و عمل دینی / سبک‌های دین‌داری جدیدی که در برخی مناسبات و رفتارها با نوع سنتی آن متفاوت‌اند. در تحلیل این دگرگونی‌ها برخی معتقدند که در سطح خرد، تحولات دین‌داری در ساحت اندیشگی، اعمال، تجربه‌ها و احساسات در حال وقوع است. در این سطح، امر دینی، سیال، متنوع و بی‌شکل است. ایشان از نوعی دین‌داری نام می‌برند که افراد بین دین‌داری و بی‌دینی در حال هروله‌اند. آنان دچار تنش‌های دینی در زندگی روزمره‌اند و تردیدهای بسیاری در این زمینه دارند؛ شکلی از دین را دارند، اما دین‌داری‌شان متحول و آینده دینی‌شان نامعین است. در این سبک از دین‌داری، یکپارچه‌گرایی دایمی تضعیف و آینده‌گرایی و گلچین‌گرایی تقویت شده است. به زعم محدثی، در نسل جدید با مؤمنانی مواجهیم که در مورد سنت دینی به اصطلاح «نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنُكْفِرُ بِبَعْضٍ» (نساء، ۱۵۰) هستند و لزوماً هم از روی بازاندیشی و بررسی انتقادی چنین نمی‌کنند. این نوع دین‌ورزی برای آنان از تکلف کمتری برخوردار است؛ همچنین به موازات رشد فردگرایی، دگرسالاری دینی در حال تضعیف و خوداتکایی دینی، گروه‌های نوظهور دینی و عرفان‌های کوچک در حال رشدند. نتیجه این فرایند، رسمیت‌زدایی و مرکزیت‌زدایی هرچه بیشتر از دین، و افزایش تنوع در گرایش‌های دینی خواهد بود (محدثی، ۱۳۹۱، صص. ۲۴۴-۲۴۵). محدثی در سخنانی با عنوان «تحولات

دین‌داری پس از انقلاب» در تشریح این فرضیه که «وضعیت دین‌داری مردم ایران دچار یک تحول اساسی است»، می‌گوید: «طبق تحقیقات کیفی در نسل‌های جدید پس از انقلاب (نسل سوم) فقه و شریعت به لحاظ اجتماعی و دین‌داری شریعت‌مدارانه و فقهاتی روند رو به افولی داشته و آن پایگاه اجتماعی خود را از دست داده است». او از تضعیف دین‌داری تام‌گرا و شکل‌گیری دین‌داری جزیره‌ای و ذره‌ای سخن گفت و افزود: «در اقتصاد و معاملات، روابط اجتماعی، تفریحات، اخلاق جنسی و... دین بسیار کم‌رنگ شده و ممکن است در صحنه‌های دیگری از زندگی دین حضور داشته باشد؛ به عبارت دیگر دین‌داری امری گزینشی شده است (محدثی، ۱۳۹۸).

نام‌گذاری این سبک از دین‌داری نیز در خور توجه است. برخی از محققان از دین‌داری «پسامدرن بریکولاژ» سخن گفته‌اند: دین‌داری که از کنارهم‌قرار گرفتن عناصر سنتی و مدرن و به‌وجودآوردن فضای چندتکه‌ای (ترکیبی و کلاژگون) و خاکستری شکل گرفته است. دین‌داران در این مدل، آیین‌های مذهبی را بنا به خواست شخص خودشان مصادره و مصرف می‌کنند. این سبک که بیشتر مطلوب جوانان است، قرین استقلال‌خواهی، اهمیت‌دادن به جوهر معنوی، لذت‌گرایی و احساس نیاز شخصی است و با مؤلفه‌هایی مانند سرسپرده‌نبودن به نهادهای سنتی، آزادی‌خواهی، عرف‌گرایی و درک مسالمت‌آمیز و غیرخشونت‌آمیز از دین، نمایش، کارناوال و متکثرشدن شناخته می‌شود (فراسخواه، ۱۳۸۹). برخی دیگر از عنوان دین‌داری «فردگرا» استفاده کرده‌اند که با شاخص‌هایی همچون رشد گرایش‌های خودمرجع و فردگرایانه، اعتقاد به اصول و واجبات دینی و پای‌بندی کم به مناسک دینی، نگرش متکثر به نقش دین در عرصه سیاست، انتخاب‌گری و گزینش در فروع دین، ترکیبی‌بودن عقاید مذهبی، رویکرد دنیوی و ابزارگرایانه به دین داشتن، تنوع، تکثر و بی‌شکلی دین‌ورزی متمایز می‌شود (آروین، ۱۳۸۴؛ آزادارمکی و غیاثوند، ۱۳۸۱). «دین‌داری نواندیشانه و معنویت‌های جدید»، «قرائت‌های انسانی از دین»، «دین‌داری بی‌شکل» و «خودمرجع» از دیگر عناوینی است که برای سبک‌های دین‌داری استفاده کرده‌اند (شجاعی زند، ۱۳۹۳ «ب»).

بیشتر تقسیم‌های فوق ناشی از برداشت مولفان و محققان از روندهای قابل مشاهده

در جامعه است که البته برخی اطلاق عناوین مناقشه‌برانگیز و با همه یا بخشی از آن موافقت جمعی وجود ندارد؛ اما می‌توان گفت در دو نقطه اشتراک نظر وجود دارد: الف) وجود سبک‌های مختلف دین‌داری در ایران معاصر؛ ب) تأثیرپذیری این سبک‌ها از شرایط پیرامونی، به‌ویژه روندهای اجتماعی. اگر تا این حد نیز موافق گونه‌شناسی‌های فوق نباشیم، نمی‌توانیم چشمانمان را بر تحولات دین‌داری جامعه معاصر ببندیم. پژوهش حاضر بر همین دست کم اتکا دارد و مدعی است حتی اگر شکل‌گیری «سبک‌های دین‌داری» را نپذیریم یا جدی نگیریم، روندهای دین‌داری شاهد تغییرات در خور تأملی است که پُر آن دامن حکمرانی را نیز خواهد گرفت. مقاله حاضر در صدد تبیین سبک‌هایی از دین‌داری نیست؛ بلکه همت خود را بر تحولات دین‌داری و چرخش نگاه‌ها از اسلام سیاسی به اسلام فردی متمرکز کرده است.

۴. تحولات عرصه دین‌داری

این عنوان ناظر به تغییر در شاخص‌های دین‌داری در عرصه باورها و رفتارهای دینی است. اندکی از متخصصان وجود دارند که «وضعیت دین‌داری را ثابت تلقی کرده‌اند» (عبداللهی سفیدان و همکاران، ۱۴۰۰) و غالب متخصصان نظری خلاف آن دارند و گزارش‌های آماری نیز همخوانی بیشتری با نظر مخالفان دارد. رصد شاخص‌ها نوعی از تحول در دین‌داری ایرانیان را نشان می‌دهد. البته این تحول لزوماً به معنای کاهش دین‌داری نیست؛ بلکه نشانگر نوعی از تغییر در الگوهای دین‌داری و آغاز برخی فرایندهاست. تبیین چرایی این تحول مجال دیگری می‌طلبد؛ اما در مورد چیستی آن، برخی از صاحب‌نظران از این تغییرها با عنوان «انتقال دین‌داری» و «تکثر در دین‌داری» یاد می‌کنند (کاظمی و حصارکی، ۱۴۰۲). عده‌ای دیگر کاهش میزان شاخص‌های نمازهای جماعت و جمعه را با نظریه «خصوصی‌شدن دین‌داری در عصر مدرن» تبیین می‌کنند؛ همچنین میزان کاهش این شاخص‌ها در سال‌های اخیر را این‌گونه توضیح می‌دهند که مردم از مناسک جمعی که بیشتر تحت مراقبت‌های سیاسی و نهادی قرار دارند، فاصله گرفته‌اند و بیشتر به سمت اعمال دینی فردی یا اعمالی می‌روند که کمتر با سیاست در

ارتباط است. این گروه میزان بالای شاخص‌های دین‌داری اعتقادی و به‌ویژه تجربی را که بیشتر به رابطه شخصی انسان با خداوند مربوط است، مؤید گفته‌های خود در نظر می‌گیرند (طالبان و رفیعی بهابادی، ۱۳۸۹). گروهی دیگر دلیل این تحول را در فر رفتن (و نه گذار) از رویکرد فقهی دین‌داری در دهه‌های اول انقلاب به سوی رویکردهای عاطفی و هیجانی در دو دهه اخیر جستجو می‌کنند؛ به نحوی که این فراروی در دو سطح فردی و جمعی قابل ردیابی است. از سویی، بخشی از جامعه با فاصله گرفتن از خوانش رسمی از طریق نوعی تفسیر متفاوت از متون دینی، همچنان احساسات دینی خود را حفظ می‌کنند؛ همچنین خوانش نهادهای رسمی از دین و دین‌داری به تدریج تغییر کرده و الگوی بازتولید بسیج دینی را بیشتر متمرکز بر عواطف و هیجانات ساخته است (کاظمی و حصارکی، ۱۴۰۲)؛ بنابراین به اعتقاد این دسته از صاحب‌نظران، الگوهای دین‌داری از الگوی شریعت‌مدارانه یا فقهی و کلامی به الگوی عاطفی - هیجانی (محدثی، ۱۴۰۲)، یا عرفانی و اخلاقی در حال تغییر است.

مدعای نوشتار حاضر آن است که الگوی دین‌داری از اسلام سیاسی به سوی اسلام فردی در حال چرخش است؛ تحولات شاخص‌های دین‌داری نشان از آن دارد که تمایل قشرهایی از دین‌داران به مفاهیم و مناسک مرتبط با اسلام سیاسی در حال کاهش است و مایلند دین را در چارچوب ارتباط قلبی با خدا تعریف کنند. این روند از آن جهت برای حکمرانی دینی اهمیت دارد که مبنای جمهوری اسلامی بر قرائت سیاسی از دین مبتنی است. اگر نگاه جامعه از سمت این قرائت از اسلام بچرخد و دین را در ارتباط فردی با خدا معنا کند، مشروعیت‌بخشی به حکومت به کمک آموزه‌های دینی با اشکالات جدی مواجه خواهد شد. بررسی روند تحولات دین‌داری در چند شاخص فرضیه بالا را تأیید می‌کند. نمودارهای ذیل از مقایسه چهار دوره پیمایش «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» به دست آمده است. نخستین پیمایش «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» در سال ۱۳۷۹ انجام و در سال ۱۳۸۱ چاپ شد (ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۸۱). موج دوم این پژوهش در سال ۱۳۸۱ انجام گرفت و نتایج آن در سال ۱۳۸۲ منتشر گردید (ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۸۲). سومین پیمایش در سال ۱۳۹۴ انجام گرفت

(ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۹۵) و در سه ماهه نخست ۱۴۰۳ موج چهارم عرضه شد. این پیمایش‌های بنا بر دوره‌های مختلف موضوعات گوناگونی را شامل شده، ولی در تمام آنها موضوع دین‌داری در پنج بُعد باورها، سبک دین‌داری، مناسک، دین اجتماعی و احساس دینی پای ثابت بوده است. دقت نظر در روندهای شاخص‌های مرتبط با دین اجتماعی و نحوه حرکت شاخص‌ها در دیگر ابعاد دین‌داری، ما را به اثبات فرضیه نزدیک می‌کند.

۴-۱. باوهای دینی: این شاخص به باورهای قلبی افراد مربوط می‌شود. بررسی شاخص‌های این بخش گویای روند به نسبت ثابت و شیب ملایمی به سمت کاهش است. بسیاری از افراد خود را مذهبی می‌دانند، هرچند در مورد دیگران چنین قضاوتی ندارند.

جدول شماره ۱: در انجام امور مهم چقدر بر خدا توکل می‌کنید (زیاد و خیلی زیاد)

موج اول	موج دوم	موج سوم	موج چهارم
—	—	۸۹/۶	۸۷/۵

جدول شماره ۲: اعمال خوب و بد انسان در روز جزا محاسبه می‌شود (کاملاً موافق و موافق)

موج اول	موج دوم	موج سوم	موج چهارم
۹۵/۶	۹۴/۸	۸۶/۹	۷۶/۱

جدول شماره ۳: شما چقدر خودتان را فردی مذهبی می‌دانید (زیاد و خیلی زیاد)

موج اول	موج دوم	موج سوم	موج چهارم
۴۳/۱	۲۹/۲	—	۴۲/۲

جدول شماره ۴: تا چه اندازه به اهل بیت علاقه و ابراز محبت دارید (زیاد و خیلی زیاد)

موج اول	موج دوم	موج سوم	موج چهارم
—	—	۸۸	۷۶/۴

در میان نمودارهای فوق روند کاهشی اعتقاد به قیامت محسوس است؛ در همین حال درصد بالایی خود را مذهبی قلمداد می کنند.

۴-۲. **سبک دین داری:** در ادامه به عبور بخش هایی از جامعه از الگوی مقلد-مجتهد و رسیدن به خوداجتهادی و نیز عبور از شریعت و تفسیر از دین به عنوان قلب پاک، توجه ویژه می شود.

جدول شماره ۵: دین داری به قلب پاک است؛ هرچند انسان اعمال دینی (نماز،

روزه و...) را انجام ندهد (موافق و خیلی موافق)

موج اول	موج دوم	موج سوم	موج چهارم
۲۴/۳	۴۰/۲	۳۹/۴	۶۱

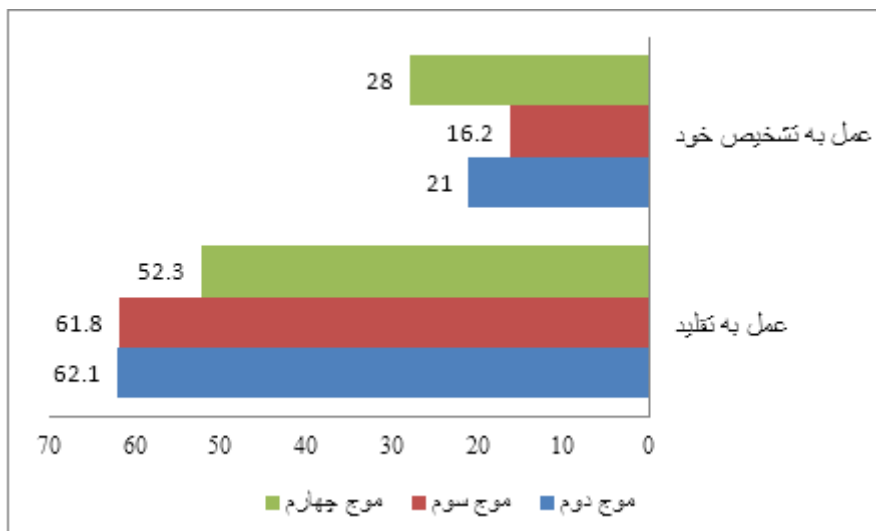
جدول شماره ۶: شیوه دریافت احکام شرعی (به تشخیص خودم عمل می کنم)

موج اول	موج دوم	موج سوم	موج چهارم
-	۲۱	۱۶/۲	۲۸

جدول شماره ۷: شیوه دریافت احکام شرعی (تقلید از مرجع)

موج اول	موج دوم	موج سوم	موج چهارم
-	۶۲/۱	۶۱/۸	۵۲/۳

جدول شماره ۵ گویای عبور بخش هایی از جامعه از مناسک شرعی و تفسیر دین به قلب پاک / حال خوب را نشان می دهد. شاید اینکه در جدول شماره ۳ حدود ۴۲ درصد از افراد خود را مذهبی می دانند، چنین دینی در نظرشان است. عبور از مرجعیت نزد نیمی از دین داران و روند فزاینده عمل به نظر خویش برای الگوهای آینده دین داری جای تأمل دارد.



نمودار شماره ۱۵: مقایسه شیوه اخذ احکام در سه موج پیمایش

نمودار فوق نشان می‌دهد به میزانی که از الگوی مقلد - مجتهد عبور شده، بر دین‌داری خودمحور افزوده شده است.

۳-۴. **مناسک دینی:** بخشی از پیمایش‌های چهارگانه به سنجش میزان پای‌بندی پاسخ‌گویان به مناسک دینی، به‌ویژه تلاوت قرآن، خواندن نماز، زیارت، حضور در هیئت‌ها و نماز جماعت اختصاص دارد. روند کاهشی ملموسی در این زمینه مشاهده می‌شود و حتی برخی از آنها به مرز هشدار رسیده است.

جدول شماره ۸: معمولاً چقدر به تلاوت قرآن می‌پردازید؟

موج اول	موج دوم	موج سوم	موج چهارم	
-	۴۱/۳	۳۱/۲	۴۰/۱	هیچ وقت / به ندرت
-	۲۰	۱۸/۸	۲۶/۹	اکثر اوقات / همیشه

جدول شماره ۹: معمولاً چقدر در مراسم هیئت‌ها و مراسم مذهبی شرکت می‌کنید؟

موج اول	موج دوم	موج سوم	موج چهارم	
–	۳۵	۲۴/۶	۳۴/۲	هیچ وقت / به ندرت
–	۳۲/۴	۳۸/۱	۴۰/۷	اکثر اوقات / همیشه

جدول شماره ۱۰: معمولاً چقدر به زیارت اماکن متبرکه و امامزاده‌ها می‌روید؟

موج اول	موج دوم	موج سوم	موج چهارم	
–	۲۳/۳	۲۳/۱	۳۶/۵	هیچ وقت / به ندرت
–	۶۴/۷	۳۳	۳۳/۸	اکثر اوقات / همیشه

در جدول‌های ۸، ۹ و ۱۰ روند تلاوت قرآن، حضور در هیئت‌ها و اماکن متبرکه افزایشی است؛ اما نکته قابل توجه روند تصاعدی افرادی است که اعلام کرده‌اند هیچ وقت یا به ندرت به چنین کارهایی دست می‌زنند. افزون بر آنکه ضریب افزایشی آثانی که به ندرت اقدام داشته‌اند، بیشتر از روند افزایشی مرتکبان است.

جدول شماره ۱۱: معمولاً چقدر نماز می‌خوانید

موج اول	موج دوم	موج سوم	موج چهارم	
۶/۳	۱۲/۸	۸/۴	۳۱/۸	هیچ وقت / به ندرت
۸۱/۶	۶۹/۵	۷۲/۵	۵۴/۷	اکثر اوقات / همیشه

جدول شماره ۱۲: معمولاً چقدر روزه می‌گیرید (با فرض عدم عذر شرعی)

موج اول	موج دوم	موج سوم	موج چهارم	
۶/۳	۵	۱۱/۸	۳۶/۸	هیچ وقت / به ندرت
۸۱/۶	۸۵/۸	۷۲/۵	۵۱/۲	اکثر اوقات / همیشه

جدول شماره ۱۳: معمولاً چقدر در نماز جماعت شرکت می‌کنید

موج اول	موج دوم	موج سوم	موج چهارم	
۴۸/۹	۵۹/۲	۴۴/۵	۶۲/۷	هیچ وقت / به ندرت
۲۰/۲	۱۳/۹	۲۶/۲	۱۸/۳	اکثر اوقات / همیشه

جدول‌های ۱۱ و ۱۲ از کاهش نگران‌کننده درصد نمازخوانان و روزه‌گیران خبر می‌دهد. حدود نیمی از پاسخگویان پای‌بندی مستمری به اقامه نماز و روزه ندارند. این نمودار نیز مؤید عبور بخشی از دینداران از قرائت نسک گرایانه از دین و تفسیر آن به قلب پاک است.

۴-۴. دین اجتماعی: این بخش برای حکمرانی دینی اهمیت مضاعف دارد؛ زیرا به اساس سیاسی بودن دین و نوع تلقی دین‌داران از مذهب مربوط است. طی سالیان گذشته بر درصد افرادی که به جدایی دین از سیاست معتقدند، به صورت چشم‌گیری افزوده شده است و درصد زیادتری با دخالت دادن شاخص‌های ایدئولوژیک در استخدام افراد مخالفت کرده‌اند.

جدول شماره ۱۴: برای استخدام افراد در ادارات نباید به عقاید

آنها کار داشت (موافق و خیلی موافق)

موج اول	موج دوم	موج سوم	موج چهارم
—	۴۸/۴	۴۲/۶	۶۱/۹

جدول شماره ۱۵: دین باید از سیاست جدا باشد

موج اول	موج دوم	موج سوم	موج چهارم	
۴۷/۱	۵۳/۵	۳۶/۳	۲۱/۳	هیچ وقت / به ندرت
۳۶/۴	۳۲/۷	۳۰/۷	۷۲/۹	اکثر اوقات / همیشه

با توجه به مبنای مشروعیت دینی جمهوری اسلامی، اینکه حدود سه چهارم پاسخ گویان به آمیختگی دین و سیاست اعتقادی ندارند، جای تأمل دارد.

جدول شماره ۱۶: همه خانم‌ها باید حجاب داشته باشند، هر چند به آن اعتقاد نداشته باشند

موج اول	موج دوم	موج سوم	موج چهارم
-	-	۲۲/۲	۴۵/۲
-	-	۵۳/۱	۴۱

جدول شماره ۱۷: مواجهه شما با خانم‌های بدحجاب چگونه است؟

موج اول	موج دوم	موج سوم	موج چهارم
-	۱۱/۷	۱۰/۶	۳۸
-	۶۷/۲	۶۷/۷	۴۶
-	۱۶/۸	۱۷/۶	۱۲/۵
-	۱/۳	۱/۲	۱/۶
-	۳	۲/۹	۱/۹

جدول شماره ۱۸: مواجهه شما با مهمانی‌ها و جشن‌های مختلط چگونه است؟

موج اول	موج دوم	موج سوم	موج چهارم
-	۲۰/۵	۱۷/۸	۳۹/۲
-	۶۱	۶۲	۴۸/۸
-	۷/۴	۱۱/۸	۸/۳
-	۶/۶	۳/۵	۲/۱
-	۴/۶	۴/۹	۱/۶

جدول‌های ۱۶، ۱۷ و ۱۸ نشان می‌دهد از میزان حساسیت‌های دینی پاسخگویان به

نحو محسوسی کاسته شده است و بیشتر به دنبال رواداری در رفتار دینی هستند. نگران‌کننده‌ترین بخش این نمودارها، ردیف‌های نخست است که حدود یک‌سوم از پاسخ‌گویان ابراز عقیده کرده‌اند که بدحجابی یا برگزاری مهمانی‌های مختلط بلاشکال است. شاید این گروه، این نوع رفتارها را نابهنجاری دینی نمی‌دانند تا بخواهند با آن مقابله کنند.

۴-۵. **احساس دینی:** غالب پاسخ‌گویان، جدا از اینکه خود را دین‌دار بدانند یا نه، ارزیابی مثبتی از وضعیت دین‌داری جامعه ندارند. غالباً احساس می‌کنند وضعیت مذهبی مردم نسبت به ۵ سال گذشته بدتر شده و طی ۵ سال آتی نیز وضع بدتر از این خواهد شد.

جدول شماره ۱۹: دین‌داری مردم نسبت به ۵ سال گذشته چه تغییری کرده است؟

موج اول	موج دوم	موج سوم	موج چهارم	
-	۱۶/۵	۹/۷	۷	بیشتر شده است
-	۶۹/۹	۶۶/۲	۸۵	کمتر شده است

جدول شماره ۲۰: مردم در ۵ سال آینده دین‌دارتر می‌شوند یا غیردین‌دارتر؟

موج اول	موج دوم	موج سوم	موج چهارم	
۱۶/۱	۱۲/۸	۱۰/۲	۸/۹	دین‌دارتر می‌شوند
۵۴/۳	۷۳/۷	۶۴/۱	۸۱/۱	غیردین‌دارتر می‌شوند

روند فزاینده بدبینی به دین‌داری جامعه، باعث کاهش انگیزه برای استمرار و حفظ نمادهای دینی و روند کاهش التزام به مناسک دینی را سرعت خواهد بخشید. از جدول‌های بالا نتایج متنوعی به دست می‌آید. آنچه به فرضیه این نوشتار مربوط است، اینک:

- در بیست سال گذشته بُعد باورها قوی‌ترین بخش دین‌داری ایرانیان بوده است؛ بر

این اساس بیش از ۸۰ درصد پاسخ‌گویان به خدا و اصول دین معتقدند و خود را فردی مذهبی می‌دانند.

- اگرچه مناسک جمعی ثانویه (روضه، زیارت و امثال آن) با رشد نسبی مواجه بوده است، افزایش افرادی که ابراز داشته‌اند هیچ‌گاه در این گونه آیین‌ها شرکت نمی‌کنند، شیب بیشتری داشته است. به نوعی جامعه دچار دوپاره‌گی در زمینه حضور حداکثری در این گونه آیین‌ها و عدم حضور شده است. مقایسه این آمار با جدی گرفتن واجبات شرعی (نماز و روزه) نیز جالب توجه است. رشد مناسک جمعی ثانویه در کنار افت پای‌بندی به مناسک اولیه و کاهش شدید مناسک جمعی (مانند نماز جماعت و جمعه) و نیز پررنگ‌تر شدن ابعاد عاطفی، بیشتر صاحب‌نظران را قانع کرده است که این تحولات را به معنای فراروی و در جاهایی گذار از الگوی فقهی و کلامی / شریعتمدارانه به الگوهای عرفانی و اخلاقی / هیجانی بدانند.

افرادی که ذیل این نوع دین‌داری قرار می‌گیرند، دین را بیشتر به «حال خوب» تعبیر می‌کنند و صرفاً به آن توصیه‌های دینی عمل می‌کنند که چنین کارکردی را به همراه داشته باشد. به تعبیری دین موضوعیت محوری برای آنها نداشته است و از آن جهت که احساس خوبی درباره برخی دستورات آن دارند، به سمت بعضی از توصیه‌های آن می‌روند.

- جدول شماره ۵ عبور بخش‌هایی از جامعه از دین‌داری شریعتمدارانه را نشان می‌دهد. طی سال‌های مورد بررسی، درصد افرادی که دین‌داری را به قلب پاک تعبیر می‌کنند؛ هرچند انسان اعمال دینی (نماز و روزه و...) را انجام ندهد، به بیش از دو برابر افزایش یافته است و طبق آخرین پیمایش شامل ۶۱ درصد از پاسخگویان می‌شود.

به همین میزان بخش‌هایی از دین‌داران از رساله‌محوری و الزام به تبعیت از یک مرجع تقلید در حال عبورند. درصد افرادی که در احکام به تشخیص خودشان عمل کرده‌اند، از ۲۱ درصد در موج دوم به ۲۸ درصد در موج چهارم رسیده است. از سوی دیگر درصد افرادی که اعمال دینی خود را از طریق تقلید از مراجع به دست می‌آورند، از ۶۲/۱ درصد به ۵۲/۳ درصد کاهش یافته است.

- مهم‌تر از گزاره‌های فوق برای فرضیه این نوشتار، شاخص‌های دین اجتماعی است. حدود ۶۲ درصد از پاسخ‌گویان با دخالت شاخص‌های دینی در استخدام افراد مخالفت کرده‌اند. این تلقی می‌تواند ناشی از گسترش تفکر سکولار در جامعه و یا عملکرد بد بخش‌های اجرایی در تحقق آن باشد؛ هرچه که هست، زمینه برای گزینش دین‌محورانه کاهش یافته است.

- جدول شماره ۱۵ تأیید مناسبی برای اثبات تمایل دین‌داری به سمت دین فردی است. حدود ۷۳ درصد از پاسخ‌گویان در آخرین نظرسنجی ابراز عقیده کرده‌اند که دین باید از سیاست جدا باشد. جداول ۱۷ و ۱۸ نیز مؤیداتی در این زمینه فراهم می‌آورند. در صد بالایی از پاسخ‌گویان کاری به عبور از شرع در اجتماع (مثلاً در بدحجابی یا اختلاط پسر و دختر) ندارند.

- احساس پاسخ‌گویان نسبت به روند دین‌داری جامعه مثبت نیست و با آنکه غالب افراد خود را دین‌دار می‌دانند؛ ولی بالای ۸۰ درصد از پاسخ‌گویان وضع دین‌داری جامعه را نسبت به گذشته بد ارزیابی می‌کنند. همین درصد پیش‌بینی می‌کنند در پنج‌سال آتی اوضاع دین‌داری بدتر هم بشود. این بدان معناست که دین‌داران خود را در جایگاه گفتمان مغلوب می‌بینند و چشم‌انداز پرفروغی برای آیین‌ها و نمادهای دینی تصور نمی‌کنند.

هر یک از گزاره‌های فوق برای حکمرانی دینی چالش‌برانگیز و در خور تأمل و برنامه‌ریزی است؛ اما آنچه بیش از همه به آینده حکمرانی در ایران معاصر مربوط می‌شود، روند کاهنده شاخص‌ها در بُعد اجتماعی دین است. هرگاه جمهوری اسلامی را مبتنی بر نظریه ولایت فقیه و متأثر از اسلام سیاسی در نظر بگیریم، برای استمرار مشروعیت حکومت ضروری است مبانی دینی آن در ذهن و رفتار جامعه استمرار یابد. قلب اسلام سیاسی را آمیختگی دین و سیاست و تلاش در تنظیم ساختارهای بیرونی بر اساس آموزه‌های دینی شکل می‌دهد. حال (به هر دلیلی) ۷۲/۹ درصد قشرهایی از جامعه در این تلقی تردید کرده‌اند. با اینکه اقشاری از مردم باورهای قلبی و قلبی خود را حفظ کرده‌اند؛ اما روند التزام به مناسک درجه یک، به‌ویژه با جلوه سیاسی-عبادی

کاهشی محسوس داشته است. دسته‌ای از افراد حساسیتی به شکسته شدن احکام الهی در عرصه اجتماعی ندارند و در عرصه‌هایی به خوداجتهادی رسیده‌اند. به زعم نویسنده چالش / خطر این روندها برای قوام و استمرار جمهوری اسلامی از دیگر تهدیدهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی نظامی کمتر نیست. اتفاقی در ذهنیت بخش‌هایی از جامعه افتاده است و تمایل دارند دین‌داری فردی، بدون آمیختگی با سیاست و درگیری با دیگران بر سر اعمال دینی را تجربه کنند. آینده حکمرانی دینی با چنین شاخصه‌های گره خورده است.

نتیجه‌گیری

غالباً با پژوهش‌ها و پیمایش‌های عرصه دین‌داری دو نوع مواجهه شده است: ۱. جمعی از صاحب‌نظران با استناد به روند کاهنده برخی از شاخص‌های دین‌داری، شتابناک ابراز عقیده کرده‌اند که حکمرانی دینی نه تنها کمکی به ارتقای سطح دین‌داری جامعه نکرده است؛ بلکه در حال ازدست‌دادن علقه‌ها و رفتارهای دینی سنتی هستیم. این تحلیل‌ها که غالباً با انگیزه‌های سیاسی طرح و نشر می‌شوند، به چنین گزاره‌ای ختم می‌شوند: «برای جلوگیری از آسیب‌دیدن ساحت دین از پلشتی‌های سیاست، جدایی دین از سیاست بهترین راهکار است»؛ در این گونه پژوهش‌ها، بحث از فضای گفتگوی علمی و آسیب‌شناسی خارج می‌شود و به سمت متهم‌سازی نظریه، عملکرد و نهادهای جمهوری اسلامی می‌رود؛ ۲. نهادها و مسئولان ذی‌ربط با امر فرهنگ و دین‌داری، به پاک کردن صورت مسئله می‌پردازند و غالباً اصل پژوهش یا پیمایش را از طریق ایرادهای شکلی به جامعه آماری، روش گردآوری و تحلیل داده و (در مواردی) انگیزه پژوهشگر زیر سؤال می‌برند. در این نوع مواجهه نیز امکان گفتگوی علمی و دغدغه‌مند درباره تحولات عرصه دین‌داری، آسیب‌های احتمالی و نقش حکمرانی دینی در تمشیت امور از دست می‌رود. امیدوارم خواننده منصف، پژوهش حاضر را به یکی از دو روش فوق قضاوت نکند. من مدعی نیستم که دین از دست رفته و یا روند دین‌داری افزایشی یا کاهشی شده است. مدعا آن است که روندهایی آغاز شده است که اگر به آنها توجه نشود، آثار

جبران‌ناپذیری در ابعاد مختلف، از جمله حکمرانی دینی خواهد داشت. دین‌داری مانند هر پدیده اجتماعی دیگر تحولاتی به خود دیده است که اگر حاکمیت نخواهد/ نتواند یا نداند چگونه با آنها مواجهه کند، نه تنها کمکی به بهبود روندهای دین‌داری در جامعه نمی‌کند، شاید مبانی مشروعیت‌بخش آن هم دچار خلأ و گسست شود. حکمرانی (به احتمال قوی) در آینده با سبک‌های دین‌داری متنوعی روبرو خواهد بود که یک سر طیف آن را دین‌داری سنتی رساله‌محور و سر دیگر آن را دین‌داری خودآیین تشکیل خواهد داد. قوه حاکمه باید تصمیم بگیرد که آیا تکثر دین‌داری را می‌پسندد و می‌پذیرد یا اصرار دارد که دین‌داری معیار را در نظر قرار دهد و باقی شکل‌های دین‌داری را به کناری نهد؟ کدام یک از ابعاد اعتقادی و مناسکی، فردی و جمعی، اسلام سیاسی و شخصی برای آن اهمیت دارد و برای گسترش آن برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری می‌کند؟ غرض آنکه سنجش نسبت دین‌داری با حکمرانی، پرسش‌های جدی و جدیدی را پیش روی می‌نهد که نیازمند تأملات زیربنایی و راهبردی است. جدا از قشر غیرپای‌بند به باورهای دینی، مدیریت جامعه دین‌داران نیز به واکاوی و بازطراحی الگوهای پیشین نیاز دارد؛ به‌ویژه آنکه تحولات دین‌داری به لایه عمیق‌تری مرتبط است که امروزه با عنوان «سبک زندگی» و «هویت‌های جدید» از آن یاد می‌شود. هویت‌یابی جدید/ مدرن بر اساس انتخاب‌گری فردی استوار است که در آن ترم‌های سنتی (اعم از مذهبی و غیر آن) چندان محل توجه نیست. نوع انتخاب تغذیه، سرگرمی، پوشش، آرایش و... ناظر به نشان‌دادن «کسی‌بودن» و «تعلق‌داشتن به گروه خاص» است که بیشتر گروه‌های مُدآفرین و هنری در آن مؤثرند تا مباحث عمیق فلسفی و نظری. بررسی ابعاد این تحول مجال دیگری می‌طلبد؛ اما در بُعد دین‌داری به گزینش مناسک و انتخاب بخش‌هایی از دین و کنارنهادن قسمتی دیگر می‌انجامد.

برای حکمرانی فرهنگی در چنین فضایی، نخست نیازمند جدی گرفتن فرایند تغییر و عبور از انگاره ثبات و سکون هستیم. تا وقتی سبک «های» زندگی جدید و آثار و پیامدهای آن در ابعاد مختلف زیست روزمره جدی گرفته نشوند، نمی‌توان به راهکارهای مدیریت توجه کرد. جدی گرفتن به معنای پذیرش و رسمیت‌بخشی بدان‌ها

نیست؛ بلکه به معنای شناخت، ارزیابی و سنجش نسبت آنها با گفتمان انقلاب اسلامی است. در مرحله دوم، مواجهه با چنین شرایطی را ویژه حکومت ندانیم؛ غالب راهکارهای مدیریت این شرایط در اختیار نهادهای فرهنگی و در رأس آنها حوزه‌های علمیه قرار دارد. نکته سوم به روش مواجهه بازمی‌گردد که الزاماً فرهنگی و از جنس گفتگو خواهد بود. محور چهارم به نوع تبلیغات رسمی و میزان پای‌بندی به گفتمان اسلام سیاسی باز می‌گردد. برای کُند کردن روند واگرایی نسبت به برخی گزاره‌های اسلام سیاسی، ضروری است کارگزاران نظام در نظر و عمل به ابعاد نظریه اشراف داشته باشند و در طرح‌ها و برنامه‌ها آن را به کار بندند. نتیجه این مهم، محور پنجم از توصیه‌های مدیریتی را تشکیل می‌دهد که به افزایش کارآمدی نظریه اسلام سیاسی مربوط می‌شود. به نظر می‌رسد با افزایش شاخص‌های کارآمدی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، شاخص‌های وابستگی و دلبستگی به گزاره‌های اسلام سیاسی نیز افزایش خواهد یافت. واپسین توصیه به تدوین و عملیاتی‌سازی الگوی زندگی اسلامی-ایرانی بنا بر مقتضیات زیست بوم معاصر باز می‌گردد که می‌تواند تا حد زیادی از آنومی فرهنگی جلوگیری کند.

فهرست منابع

- آروین، ب. (۱۳۸۴). بررسی رابطه میان نهادمندشدن دین و شخصی‌شدن آن در جامعه ایرانی پس از انقلاب اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- آزاد ارمکی، ت.؛ غیاثوند، ا. (۱۳۸۱). تحلیل جامعه‌شناختی دین‌داری جوانان با رویکرد بی‌شکلی دین‌داری. پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۳۵، صص. ۱۱۷-۱۴۸.
- آلتون، و.پ. (۱۳۷۶). دین و چشم‌اندازهای نو. غ.ح. توکلی (گردآوری و ترجمه). قم: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی.
- ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج دوم: یافته‌های پیمایش در ۲۸ مرکز استان کشور. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲.
- اشتریان، ک. (۱۳۸۸). کارآمدی و منزلت نخبگان: بررسی منزلت روحانیت در بین جوانان. سیاست، ۳۹(۳)، صص. ۳۷-۵۲.
- پترسون، م. و همکاران (۱۳۷۶). عقل و اعتقاد دینی. ترجمه: ا. نراقی و ا. سلطانی (مترجمان). تهران: طرح نو.
- پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات. (۱۳۹۵). یافته‌های پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش ایرانیان، موج سوم. تهران: نشر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- دورکیم، ا. (۱۳۸۱). صور بنیانی حیات دینی. ب. پرهام (مترجم). تهران: نشر مرکز.
- ذوالفقاری، ا. (۱۳۹۲). گونه‌شناسی دین‌داری‌های اسلامی: نقدی بر گونه‌شناسی‌های صاحب‌نظران غربی درباره انواع دین‌داری اسلامی. علوم اجتماعی، شماره ۶۳، صص. ۸۲-۱۲۷.
- سام دلیری، ک. (۱۳۹۷). نوسازی و تغییرات اجتماعی، دین‌داری و روحانیت در ایران امروز. تهران: جامعه‌شناسان.
- سروش، ع. (۱۳۷۸). اصناف دین‌داری. کیان، شماره ۵۰.

- سلیمانی، م. (۱۳۹۱). درک همدلانه از اسلام: یادداشتی دربارهٔ جان اسپوزیتو و کتاب اسلام، راه مستقیم. کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۷۷، صص. ۷۱-۷۳.
- شجاعی زند، ع.؛ حسن‌پور، آ. (۱۳۹۳ «ب»)، گونه‌شناسی دین‌داری جوانان شهر اصفهان. فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۲۵، صص. ۱۷-۳۹.
- شجاعی زند، ع.ر. (۱۳۸۸). تبارشناسی تجربه دینی در مطالعات دین‌داری. تحقیقات فرهنگی، شماره ۶، صص. ۳۱-۴۷.
- شجاعی زند، ع.ر. (۱۳۹۱). کاهش نفوذ اجتماعی روحانیت در ایران، الگویی برای بررسی. شیعه‌شناسی، ۱۰ (۳۸)، صص. ۷۵-۱۰۶.
- شجاعی زند، ع.ر. (۱۳۹۳ «الف»)، نقد و ارزیابی گویه‌های به کار رفته در پیمایش‌های دین‌داری در ایران. راهبرد فرهنگ، شماره ۲۶، صص. ۷-۳۸.
- طالبان، م.ر.؛ رفیعی بهابادی، م. (۱۳۸۹). تحولات دین‌داری بر اساس تفاوت‌های نسلی در ایران (۱۳۸۸-۱۳۵۳). مسائل اجتماعی ایران، ۱ (۲)، صص. ۸۵-۱۱۴.
- طباطبایی فر، س.م. (۱۴۰۲). دین‌داری و تحولات اجتماعی ایران معاصر. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عبدالکریمی، ب. (۱۳۹۸). آیندهٔ روحانیت و جهان معاصر. تهران: نقد فرهنگ.
- عبداللهی سفیدان، ح.؛ عبدالاحدی مقدم، ع.ا.؛ دشتی، م.ت. (۱۴۰۰). فواتحلیل روند دین‌داری ایرانیان در دهه گذشته و پیامدهای امنیتی آن. مطالعات راهبردی، شماره ۲۴، صص. ۳۳-۷۲.
- عیسی‌نیا، ر. (۱۳۹۶). منزلت روحانیت پس از جمهوری اسلامی، افزایش یا کاهش؟. حوزه، شماره ۱۷۶، صص. ۴۷-۵۶.
- فراستخواه، م. (۱۳۸۹). نمایی از دین‌ورزی طبقات متوسط جدید شهری. قابل دسترس در: <https://farasatkah.h.blogskey.com/1389/9/26/05/post-26>
- کاظمی، ع.؛ حصارکی، ن. (۱۴۰۲). دین‌داری در ایران پس‌انقلابی: سیاست جماعت‌های مذهبی. جامعه‌شناسی ایران، ۲۴ (۱)، صص. ۷۱-۹۶.

محدثی، ح. (۱۳۹۱). رشد میدان‌های مستقل. مهرنامه، شماره ۲۰، صص. ۲۴۴-۲۴۵.

محدثی، ح. (۱۳۹۸). تحولات دین‌داری در ایران پس از انقلاب. قابل دسترس در:

<http://www.ricac.ac.ir/meeting/469>

محدثی، ح. (۱۴۰۲). آیا جمهوری اسلامی منجر به دین‌داری تر شدن مردم شده است؟ حرف نو.

قابل دسترس در:

<https://abdimedia.net/podcast/what-islamic-republic-achievement-has-system-led-peoples-religiosity-or-abandonment>.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۴۰۲). مروری بر مسائل نوپدید حکمرانی، شماره

مسلسل ۱۹۴۳۳.

ملکیان، م. (۱۳۷۸). سخنی در چند و چون ارتباط اسلام و لیبرالیسم. کیان، شماره ۴۸،

صص. ۱۰-۱۳.

میرسندسی، س.م. (۱۳۹۰). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی دین و انواع دین‌داری. تهران: جامعه‌شناسان.

نجفی، و. (۱۳۹۷). بررسی وضعیت و راهکارهای ارتقای منزلت اجتماعی روحانیت. قم: مکتب

اندیشه.

نیک‌پی، ا. (۱۳۹۴). سبک‌های زندگی دینی در میان جوانان. قابل دسترس در:

www.isa.ir/1394/12/4

واله، ح. (۱۴۰۰). دین و حکمرانی؛ چالش‌ها و تأمل‌ها. تهران: طرح نو.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (۱۳۸۱). ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان: یافته‌های پیمایش در

۲۸ استان کشور. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

هیک، ج. (۱۳۷۶). فلسفه دین. ب. سالکی (مترجم). تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.

References

- Abdolkarimi, B. (2019). *The future of the clergy and the contemporary world*. Tehran: Naghde Farhang. [In Persian]
- Abdollahi Sefidan, H., Abdol-Ahad Moghadam, A. A., & Dashti, M. T. (2021). Meta-analysis of the trend of Iranians' religiosity in the past decade and its security consequences. *Strategic Studies*, 24, pp. 33-72. [In Persian]
- Althaus, W. P. (1997). *Religion and new perspectives* (G. H. Tavakkoli, Ed., & Trans.). Qom: Center for Islamic Studies and Research. [In Persian]
- Arvin, B. (2005). *Investigating the relationship between the institutionalization of religion and its privatization in Iranian society after the Islamic Revolution*. Master's thesis. University of Tehran, Faculty of Social Sciences. [In Persian]
- Ashtarian, K. (2009). Efficiency and status of elites: Investigating the status of the clergy among youth. *Politics*, 39(3), pp. 37-52. [In Persian]
- Azad Armaki, T., & Ghiasvand, A. (2001). Sociological analysis of youth religiosity with an approach to the amorphousness of religiosity. *Humanities Research*, 35, pp. 117-148. [In Persian]
- Durkheim, E. (2001). *The elementary forms of religious life* (B. Parham, Trans.). Tehran: Markaz. [In Persian]
- Farastkhah, M. (2010). *A view of the religiosity of the new urban middle classes*. Retrieved from <https://www.google.com/search?q=https://farasatkah.blogspotky.com/1389/9/26/05/post-26>. [In Persian]
- Hick, J. (1997). *Philosophy of religion* (B. Saleki, Trans.). Tehran: Al-Hoda International Publications. [In Persian]
- Isa Nia, R. (2017). The status of the clergy after the Islamic Republic, increase or decrease?. *Howzeh*, 176, pp. 47-56. [In Persian]
- Kazemi, A., & Hesarki, N. (2023). Religiosity in post-revolutionary Iran: The politics of religious congregations. *Sociology of Iran*, 24(1), pp. 71-96. [In Persian]

- Majlis Research Center. (2023). *A review of emerging governance issues, 19433*. [In Persian]
- Malekian, M. (1999). A discussion on the how and why of the relationship between Islam and liberalism. *Kian*, 48, pp. 10-13. [In Persian]
- Ministry of Culture and Islamic Guidance. (2001). *Values and attitudes of Iranians: Findings of a survey in 28 provinces of the country*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
- Ministry of Culture and Islamic Guidance. (2003). *Values and attitudes of Iranians, Wave II: Findings of a survey in 28 provincial capitals of the country*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
- Mirsendsesi, S. M. (2011). *An introduction to the sociology of religion and types of religiosity*. Tehran: Jame'e Shenasan. [In Persian]
- Mohaddesi, H. (2012). The growth of independent fields. *Mehrnameh*, 20, pp. 244-245. [In Persian]
- Mohaddesi, H. (2019). *Transformations of religiosity in Iran after the revolution*. Retrieved from <http://www.ricac.ac.ir/meeting/469>. [In Persian]
- Mohaddesi, H. (2023). *Has the Islamic Republic led to a more religious people? Harf-e No*. Retrieved from <https://abdimedia.net/podcast/what-islamic-republic-achievement-has-system-led-peales-religiosity-or-abandonment>. [In Persian]
- Najafi, V. (2018). *Investigating the status and strategies for promoting the social status of the clergy*. Qom: Makth-e Andisheh. [In Persian]
- Nikpey, A. (2015). *Religious lifestyles among youth*. Retrieved from www.isa.ir/1394/12/4. [In Persian]
- Peterson, M., & et al. (1997). *Reason and religious belief* (A. Naraghi & A. Soltani, Trans.). Tehran: Tarh-e No. [In Persian]
- Research Institute for Culture, Art and Communication. (2016). *Findings of the national survey of Iranian values and attitudes, Wave III*. Tehran: Research Institute for Culture, Art and Communication Publications. [In Persian]

- Sam Daliri, K. (2018). *Modernization and social changes, religiosity and the clergy in Iran today*. Tehran: Jame'e Shenasan. [In Persian]
- Shojaei Zand, A. R. (2009). Genealogy of religious experience in studies of religiosity. *Cultural Research*, 6, pp. 31-47. [In Persian]
- Shojaei Zand, A. R. (2012). The decline of the social influence of the clergy in Iran, a model for investigation. *Shi'a Studies*, 10(38), pp. 75-106. [In Persian]
- Shojaei Zand, A. R. (2014). Critique and evaluation of the items used in surveys of religiosity in Iran. *Cultural Strategy*, 26, pp. 7-38. [In Persian]
- Shojaei Zand, A., & Hasanpour, A. (2014). Typology of religiosity among youth in Isfahan. *Applied Sociology*, 25. [In Persian]
- Soleimani, M. (2012). An empathetic understanding of Islam: A note on John Esposito and the book Islam, the straight path. *Social Sciences Monthly Book*, 77, pp. 71-73. [In Persian]
- Soroush, A. (1999). Categories of religiosity. *Kian*, 50. [In Persian]
- Tabatabaeifar, S. M. (2023). *Religiosity and social transformations of contemporary Iran*. Tehran: Center for the Islamic Revolution Documents. [In Persian]
- Taleban, M. R., & Rafiei Bahabadi, M. (2010). Transformations of religiosity based on generational differences in Iran (1353-1388). *Social Issues of Iran*, 1(2), pp. 85-114. [In Persian]
- Vala, H. (2021). *Religion and governance; challenges and reflections*. Tehran: Tarh-e No. [In Persian]
- Zolfaqari, A. (2013). Typology of Islamic religiosities: A critique of Western scholars' typologies on the types of Islamic religiosity. *Social Sciences*, 63, pp. 82-127. [In Persian]